

دوتا ۳۰۷	عهد عتیق / ۲۲
	امثال - بخش دوم
S = معلم ۲ (تدریس توسط معلم ۲)	

(S) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعلیمی ، فرصت خواهید داشت با کتاب مقدس آشنا شوید. در حالی که به این برنامه گوش می‌دهید ، در دفترتان یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. امروز کتاب امثال - بخش ۲ را معرفی خواهیم کرد. در مورد خصوصیت شعرگونه و کاربرد عملی کتاب امثال مطالبی خواهیم آموخت.

نکته ۵ . خصوصیت شعرگونه کتاب امثال.

اول . توازی‌سازی.

مهمترین ویژگی شعر عبری ، "توازی‌سازی" است و این شامل ایجاد ارتباط معنایی بین خط‌های اول و دوم هر مصرع است. شعر عبری بصورت ابیات نوشته می‌شود ، که معمولاً شامل دو خط شعر می‌شود که به طریقی با هم مرتبط می‌باشند. کتاب امثال حاوی شیوه‌های متنوعی از فن توازی‌سازی است:

یک . "توازی‌سازی مترادف" که در آن اندیشه‌ای که در نیمه اول آمده است ، با استفاده از کلماتی متفاوت در نیمه دوم "تکرار می‌شود". برای نمونه امثال ۱۱: ۲۵ می‌فرماید: "شخص سخاوتمند کامیاب می‌شود و هر که دیگران را سیراب کند خود نیز سیراب خواهد شد".

دو . "توازی‌سازی فزاینده" که در آن همان اندیشه که در نیمه اول آمده است ، در نیمه دوم "بسط پیدا می‌کند". و از کلمه "و" استفاده می‌شود. برای نمونه امثال ۱۰: ۲۲ می‌فرماید: "برکت خداوند دولت‌مند می‌سازد ، «و» هیچ زحمت بر آن نمی‌افزاید".

سه . "توازی‌سازی ترکیبی" که در آن اندیشه‌ای که در نیمه اول آمده است ، همراه با "اندیشه‌ای جدید" ، در نیمه دوم بسط پیدا می‌کند. برای نمونه امثال ۲۶: ۴-۵ می‌فرماید: "کسی که به سؤال احمقانه جواب دهد مانند سؤال‌کننده آن احمق است. باید به سؤال احمقانه داد تا کسی که سؤال کرده خیال نکند عاقل است".

چهار . "توازی‌سازی حالتی" که در آن اندیشه‌ای که در نیمه اول آمده است ، در نیمه دوم به "مرحله اوج" خود می‌رسد. برای نمونه امثال ۱: ۱۶ می‌فرماید: "زیرا که پایهای ایشان برای شرارت می‌دود و به جهت ریختن خون می‌شتابند".

پنج . "توازی‌سازی متضاد" که در آن اندیشه‌ای که در نیمه اول آمده است ، در تقابل با نیمه دوم قرار می‌گیرد. و از کلمه "اما" استفاده می‌شود. نمونه‌های زیادی در فصلهای ۱۰-۱۵ به چشم می‌خورند. برای نمونه امثال ۱۰: ۱ می‌فرماید: "پسر عاقل پدرش را شاد می‌سازد ، «اما» پسر نادان باعث غم مادرش می‌گردد".

شش . "توازی‌سازی تطبیقی" که در آن اندیشه‌ای که در نیمه اول آمده بوسیله مفهومی آشنا در نیمه دوم "توضیح داده می‌شود". و از کلمات "چنانکه... همچنین" و "مانند" استفاده شده است. برای نمونه امثال ۱۰: ۲۶ می‌فرماید: "چنانکه سرکه برای دندان و دود برای چشمان است ، همچنین است مرد کاهل برای آنانی که او را می‌فرستند". و امثال ۱۱: ۲۲ می‌فرماید: "زیبایی در زن نادان مانند حلقه طلا در پوزه گراز است". گاهی دو چیز با هم مقایسه می‌شوند و بر برتری یکی نسبت به دیگری تأکید می‌شود. و از کلمه "بہتر" استفاده می‌شود. برای نمونه امثال ۱۲: ۹ می‌فرماید: "بہتر است انسان شخص مهمی به حساب نیاید اما زندگی او تأمین باشد تا اینکه خود را آدم بزرگی نشان دهد ولی محتاج نان باشد".

هفت . "توازی‌سازی عددی" که در آن اندیشه‌ای که در نیمه اول توسط کاربرد عدد همراه بوده است ، در نیمه دوم با استفاده از "عددی بزرگتر" تشدید می‌شود. این کار به منظور جلب نظر مخاطب انجام می‌شود. این کار در امثال ۶: ۱۶ و ۳۰: ۱۵ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۹ و ایوب ۳۳: ۲۹ و جامعه ۱۱: ۲ و عاموس ۳: ۱ تا ۲: ۸ دیده می‌شوند. برای نمونه امثال ۶: ۱۶ می‌فرماید: "شش چیز است که خداوند از آنها نفرت دارد ، بلکه هفت چیز است که نزد جان وی مکروه است".

دوم . کتاب امثال حاوی سروده‌ای الفبایی است.

امثال ۳۱: ۱۰-۳۱ حاوی سروده‌ای الفبایی است که در آن هر یک از ۲۲ آیات با یکی از حروف الفبای عبری آغاز می‌گردند. البته این نکته در هیچیک از ترجمه‌ها قابل مشاهده نیست. مزمو ۱۱۹ نیز شعری است الفبایی که در آن هر یک از ۲۲ بند ، با یکی از حروف الفبای عبری آغاز می‌شوند و هر ۸ آیه از هر بند با حرفی مشترک آغاز می‌گردد.

نکته ۶ . کاربرد عملی کتاب امثال

اول . کتاب امثال برای تمرین زندگی خدایسندانه شخصی مفید است.

اول تیموتائوس ۴: ۷-۸ می‌فرماید: "وقت خود را با بحث درباره عقاید پوچ و افسانه‌های احمقانه تلف نکن. بلکه بکوش و تمرین کن تا زندگی خدایسندانه‌ای داشته باشی. تمرین و ورزش بدنی مفید است ، اما ورزش روحانی بسیار مفیدتر از آن است و تو را برای هر کاری آماده می‌سازد. پس به تمرینات روحانی بپرداز تا مسیحی بہتری باشی ، چون این تمرینات نه فقط برای این دنیا مفید است ، بلکه برای عالم آینده نیز". هدف کتاب امثال آن است تا

انسانها را بسوی زندگی خداپسندانه و به سوی درستکاری هدایت کند ، زیرا آنهایی که از خدای کتابمقدس می‌ترسند و به اعمال درستکارانه می‌پردازند ، بطور یقین حیات را به معنای واقعی کلمه دریافت خواهند کرد. اما هدف کتاب امثال در ضمن این نیز هست تا انسانها را در مورد پیگیری زندگی خداشناسانه و اعمال بدکارانه هشدار دهد ، زیرا آنانی که از خدای کتابمقدس رویگردان هستند و به شرارت می‌پردازند ، بطور یقین هلاکت را به معنای واقعی کلمه دریافت خواهند کرد. کتاب امثال پر از مطالب حکیمانه عملی است که به مسیحیان کمک می‌کند تا به زندگی خداپسندانه عمل کنند.

یعقوب ۱: ۲۱-۲۵ می‌فرماید: "بنابراین ، هر نوع ناپاکی و عادت زشت را که هنوز در وجودتان باقی است ، از خود دور کنید؛ و با فروتنی کلام خدا را که در دلتان کاشته شده است ، بپذیرید ، زیرا این کلام قدرت دارد جانهای شما را نجات بخشد. اما فراموش نکنید که این کلام را نه فقط باید شنید ، بلکه باید به آن عمل کرد. پس خود را فریب ندهید ، زیرا کسی که کلام را فقط می‌شنود ولی به آن عمل نمی‌کند ، مانند شخصی است که صورت خود را در آینه نگاه می‌کند؛ اما به محض اینکه از مقابل آینه دور می‌شود ، قیافه خود را فراموش می‌کند. اما کسی که به کلام خدا که قانون کامل آزادی بشر است ، توجه داشته باشد ، نه تنها آن را همیشه بخاطر خواهد داشت ، بلکه به دستورانش نیز عمل خواهد کرد ، و خدا عمل او را برکت خواهد داد".

یک . "احکام خدا موجب تولد تازه می‌گردد و به کار نجات شخص ادامه می‌دهد". "احکام خدا" با پیشینه عهدعتیق آنها ، همان "کلام خدا" است ، یعنی تمامیت کتابمقدس که خدا برای اطاعت انسان تخصیص داد. این همان "موعظه یا تعلیم دادن کلام خدا است" که در خانه یا کلیسا انجام می‌پذیرد. بر اساس یعقوب ۱: ۱۸ ، همانا کلام خدا است که خدا بوسیله آن به ما تولد دوباره می‌بخشد. و بر اساس یعقوب ۱: ۲۱ ، این آن کلامی است که خدا برای نجات دادن ما در قلبمان می‌کارد. یعقوب ۱: ۲۵ می‌فرماید احکام خدا همانا کلام خدا است که به نجات دادن ما از دست شرارت و حماقت ادامه خواهد داد و به ما برکت خواهد بخشید ، و البته این در صورتی است که ما نیز آن را در دلها و زندگی‌های خود بپذیریم.

دو . "احکام خدا با همان کتابمقدس ، کامل می‌باشد". یعقوب ۱: ۲۵ می‌فرماید: "کلام خدا قانون کامل است". کتابمقدس در تمامیت خود ، و بویژه ده فرمان ، "کلام کامل" خدا است ، زیرا "بطور کامل ذات قدوس و عادل خدا را بیان می‌کند" و چنانچه زندگی ما بر اساس آن قرار بگیرد ، ما را نیز کامل می‌گرداند. خدا در ده فرمان حقایقی را در خصوص خود در قالب تعالیم یا قواعدی برای نحوه زندگی قوم نجات‌یافته خدا بیان کرده است. زمانی که از ده فرمان اطاعت می‌کنیم ، به جهان نشان می‌دهیم که خدای کتابمقدس چگونه است. لایوان فصل ۱۹ این مطلب را به زیبایی توصیف می‌کند: خدا اینچنین آغاز می‌کند: "مقدس باشید زیرا من ، خداوند ، خدای شما مقدس هستم". سپس خدا انواع گوناگون دستورات را برای اطاعت به ما می‌بخشد و پس از هر دستور اضافه می‌کند: "من ، خداوند ، خدای شما هستم". مجموعه گسترده احکامی که در فصل ۱۹ لایوان یافت می‌شوند ، با تکرار عبارت "من خداوند هستم" ، یعنی "من هستم ، آنکه هستم" ، دارای زمینه مشترکی با هم می‌باشند (۱۹: ۱۰ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ و غیره). بنابراین ، هر یک از فرامین و هر یک از مجموعه احکام ، به ما می‌فهماند که: "«شما مسیحیان» باید اینگونه باشید ، زیرا «خدای کتابمقدس» نیز این گونه است". ذات الهی خدای کتابمقدس برای انسانها معین می‌کند که چگونه باشند و چگونه عمل کنند. احکام خدا به ما بخشیده شده تا ما همانند همان خدایی گردیم که احکامش را به ما بخشید. کلام خدا ، چه بصورت دستورات یا فرامین ، یا اصول یا نمونه‌هایی از حکمت ، خدای کتابمقدس را می‌شناسانند و به ما می‌گویند که ما چگونه باید باشیم (اول پطرس ۱: ۱۴-۱۶).

سه . "احکام خدا ، یا کتابمقدس ، آزادی می‌بخشد". یعقوب ۱: ۲۵ می‌فرماید: "کلام خدا قانون کامل آزادی بشر است". "احکام خدا یا کتابمقدس زمانی که از آن اطاعت کنیم ، انسانیت راستین ما را متجلی می‌سازد". زمانی که از فرامین و حکمت خدای کتابمقدس اطاعت کنیم ، آنگاه براستی آزاد خواهیم بود ، یعنی آزاد خواهیم بود تا زندگی مقدس و درستکارانه‌ای در پیش بگیریم. اما عکس این قضیه نیز صادق است: یعنی زمانی که از دستورات و حکمت خدای کتابمقدس نافرمانی کنیم یا آنها را نادیده بگیریم ، آنگاه آزاد نخواهیم بود ، یعنی بنده زندگی ناپاک و نادرست خواهیم شد.

ده فرمان که در خروج ۲۰ آمده با این عبارات آغاز می‌شود: "من ، خداوند ، خدای تو هستم ، همان خدایی که تو را از اسارت و بندگی ... آزاد کرد". خدا زمانی ده فرمان را به قوم بخشید که "به آنها آزادی بخشیده بود". خدا ده فرمان را به این قصد به قوم بخشید تا با نگاه داشته احکام ، برای نجات خود اقدام کنند. نه ، این تنها پس از آزاد شدن قوم بود که خدا ده فرمان را به آنها بخشید و آنها بدین منظور تا به آنها بیاموزد چگونه بعنوان قوم رهایی‌یافته خدا زندگی کنند. خدا ده فرمان را به این منظور به قوم بخشید تا با تحمیل کردن احکام بر آنها ، آنان را بگونه‌ای دیگر اسیر بسازد ، بلکه تا آن آزادی را که به آنان بخشیده بود ، حفظ کند. عهدعتیق و عهدجدید هر دو تعلیم می‌دهند که خدا ، احکام را بعنوان "وسیله‌ای" برای رستگاری بخشید ، بلکه بعنوان "شیوه زندگی" برای آنانی که همان زمان نیز آزاد بودند. احکام خدا طریقی است برای در پیش گرفتن زندگی مقدس و درستکارانه و آزاد. کتاب امثال پر است از کاربردهای عملی فرامین خدا ، و بنابراین به منظور آموزش ما برای در پیش گرفتن یک زندگی مقدس ، درستکارانه و براستی آزاد تخصیص یافته است.

دوم. "کتاب امثال برای موعظه و تعلیم دادن ده فرمان مفید است".

تعداد زیادی از امثال بطور مستقیم به دستورات خدا در کتابمقدس ، بویژه با ده فرمان ، مرتبط می‌باشند. امثال کاربردهایی عملی را برای انجام آنچه که خدا دستور داده ، یا منع کرده است ، مکشوف می‌سازند. برای مثال:

یک. "در زیر کاربردهای عملی برای «فرمان پنجم» آمده است، یعنی «پدر و مادرت را احترام کن». امثال ۱: ۸ می‌فرماید: "ای جوان، نصیحت پدرت را بشنو و از تعلیم مادرت رویگردان نشو". امثال ۲۳: ۲۵-۲۲ می‌فرماید فرزندان باید حقیقت، حکمت، تربیت، شعور و درستکاری را از والدین خویش بیاموزند. امثال ۲۳: ۱۳-۱۴ به والدین اینچنین تعلیم می‌دهد: "از تأدیب کردن فرزند خویش کوتاهی نکن. چوب تنبیه او را نخواهد کشت، بلکه جان او را از هلاکت نجات خواهد داد". و امثال ۲۹: ۱۵ و ۱۷ به والدین می‌آموزد چوب تأدیب به فرزند حکمت منتقل می‌کند، اما فرزندی که به حال خود رها شده مایه سرافکنگی مادر خویش خواهد بود. لازم است تا والدین فرزندان خویش را تربیت کنند. اگر چنین کنند، فرزندان برای آنان مایه آرامش و شادی خواهند بود.

دو. "در زیر کاربردهای عملی برای «فرمان ششم» آمده است، یعنی «قتل نکن». امثال ۱: ۱۰ و ۱۵ به جوانان توصیه می‌کند تا در برابر تحریکات گناهکاران مقاومت کنند و با آنان همراه نشوند، زیرا آنها برای صدمه زدن و کشتن دیگران توطئه می‌چینند. امثال ۴: ۱۴-۱۵ می‌آموزد: "به راه بدکاران نرو و از روش گناهکاران پیروی ننما. از آنها دوری کن و روی خود را از آنان بگردان و به راه خود برو". و امثال ۶: ۱۶ و ۱۷ تعلیم می‌فرماید که خدا از دستهایی که خون بی‌گناه را می‌ریزند، نفرت دارد. این هشدار است جدی برای تمام تروریست‌ها.

سه. "در زیر کاربردهای عملی برای «فرمان هفتم» آمده است، یعنی «زنا مکن». امثال نیل درباره زنان بدکاره سخن می‌گوید: امثال ۲: ۱۶-۱۷ می‌فرماید که حکمت خدا ترا از دست زن زناکار، و از دست زن سرکش که سخنان اغواگرانه دارد، و از دست زنی که شریک ایام جوانی خویش را رها کرده و پیمان ازدواج خویش را که در برابر خدا بسته بود، زیر پا گذاشته، نجات خواهد داد. امثال ۵: ۸-۲۳ می‌فرماید: "از چنین زنی دوری کن. حتی به در خانه‌اش هم نزدیک نشوید"، زیرا او قدرت را از دستت می‌گیرد، عمر شما را کوتاه خواهد کرد، اموال و سلامتی‌تان را از شما خواهد گرفت. و بالاخره بخاطر نداشتن انضباط و حکمت هلاک خواهید شد. امثال ۶: ۲۵-۲۹ می‌فرماید: "دلباخته زیبایی اینگونه زنان نشو. نگذار عشوگری‌های آنها تو را وسوسه نماید، زیرا زن فاحشه تو را محتاج نان می‌کند و زن بدکاره زندگی تو را تباه می‌سازد". آنکه زن فاحشه را لمس کند، سوخته خواهد شد و بدون مجازات نخواهد ماند. امثال ۷: ۲۱-۲۷ هشدار می‌دهد که زن بدکاره با سخنان اغواگرانه مرد را منحرف می‌سازد و با سخنان وسوسه‌کننده، او را فریب می‌دهد؛ "نگذارید چنین زنی دل شما را برباید. از او دور شوید، مبادا شما را به گمراهی بکشد". زیرا او قربانیان زیادی را بدام مرگ انداخته است.

چهار. "در زیر کاربردهای عملی برای «فرمان هشتم» آمده است، یعنی «دزدی نکن». امثال ۳: ۲۷-۲۸ می‌فرماید: "اگر می‌توانی به داد کسی که محتاج است برسی، کمک خود را از او دریغ مدار. اگر همان موقع می‌توانی به همسایه‌ات کمک کنی، هرگز به او نگو: «برو فردا بیا»". امثال ۱۰: ۲ چنین هشدار می‌دهد: "ثروتی که از راه نادرست به دست آمده باشد نفعی به انسان نمی‌رساند". امثال ۱۱: ۲۴ خاطر نشان می‌سازد انسانی که با سخاوت می‌دهد، بیشتر نصیبش می‌شود، اما آنکه بی‌دلیل از بخشیدن امتناع می‌کند، عاقبت نیازمند خواهد شد. امثال ۱۳: ۱۱ چنین هشدار می‌دهد: "ثروتی که از راه نادرست به دست بیاید طولی نمی‌کشد که از دست می‌رود". امثال ۱۶: ۸ می‌فرماید: "مال کم که از راه درست به دست آمده باشد بهتر است از ثروت هنگفتی که از راه نادرست فراهم شده باشد". و امثال ۱۹: ۱۷ می‌فرماید: "وقتی به فقیر کمک می‌کنی مانند این است که به خداوند قرض می‌دهی و خداوند است که قرض تو را پس خواهد داد". اما امثال ۲۱: ۱۳ هشدار می‌دهد: "آنکه فریاد فقیران را نشنیده می‌گیرد در روز تنگدستی خود نیز فریادری نخواهد داشت".

پنج. "در زیر کاربردهای عملی برای «فرمان نهم» آمده است، یعنی «شهادت دروغ نده». امثال ۴: ۲۴ می‌فرماید: دروغ و ناراستی را از دهان خود دور کن". امثال ۱۰: ۱۹ می‌فرماید: "پرحرفی انسان را بسوی گناه می‌کشاند. عاقل کسی است که زبانش را مهار کند". امثال ۱۱: ۱۳ می‌فرماید: "خبرچین هر جا می‌رود اسرار دیگران را فاش می‌کند". امثال ۱۳: ۳ می‌فرماید: "هر که زبان خود را نگه دارد جان خود را حفظ می‌کند، اما کسی که نسنجیده سخن بگوید خود را هلاک خواهد کرد". و امثال ۱۵: ۱ و ۲۳ و ۲۸ می‌فرماید: "جواب ملایم خشم را فرو می‌نشاند، اما جواب تند آن را بر می‌انگیزد. انسان وقتی جواب درست می‌دهد از آن لذت می‌برد. چه عالی است سخنی که بجا گفته شود. آدم خوب قبل از جواب دادن فکر می‌کند، اما آدم بد زود جواب می‌دهد و مشکلات به بار می‌آورد". کتاب امثال در رابطه با سخن گفتن پر از نکات عملی حکیمانه است. امثال ۲۱: ۲۸ می‌فرماید: "شاهد دروغ‌گو نابود خواهد شد و آنکه به او گوش دهد برای همیشه نابود خواهد گردید".

شش. "در زیر کاربردهای عملی برای «فرمان دهم» آمده است، یعنی «طمع نورز». امثال ۱۱: ۶ می‌فرماید: "بدکاران در دام خیانت خود گرفتار می‌شوند". امثال ۱۲: ۱۱-۱۲ می‌فرماید: "هر که در زمین خود زراعت کند نان کافی خواهد داشت، اما کسی که وقت خود را به بیهودگی بگذراند آدم احمقی است. اشخاص خدانشناس چشم طمع به اموالی که بدکاران غارت کرده‌اند دارند، در حالیکه خدانشناسان از اموال خود به یکدیگر کمک می‌کنند". امثال ۱۳: ۴ می‌فرماید: "آدم تنبل آنچه را که آرزو می‌کند به دست نمی‌آورد، اما شخص کوشا کامیاب می‌شود". و امثال ۲۱: ۲۵ می‌فرماید: "داشتن اشتیاق و آرزو برای شخص تنبل کشنده است، زیرا برای رسیدن به آن تن به کار نمی‌دهد".

سوم. "امثالی که در کتاب امثال هستند می‌توانند بعنوان یادآوریه‌های سازنده، نوشته و بر دیوار

قرار داده شوند"

سخنان بسیار حکیمانه و زیبایی در کتاب امثال یافت می‌شوند. مسیحیان می‌توانند این امثال را شعار شخصی خویش قرار دهند یا حتی آنها را بر دیوار خانه‌هایشان نصب کنند تا آنها را بیاد حکمت خدا ببینند.

چهارم. "کتاب امثال منبعی غنی از رهنمودها است"

امثال درباره موضوعات عملی بسیاری در زندگی روزمره، تعلیم می‌دهند. می‌توانید کتاب امثال را از اول تا آخر بخوانید و تمام امثالی را که به موضوعی خاص می‌پردازند، بیابید. سپس می‌توانید آنها را طوری مرتب کنید تا بتوانید آنها را به خاطر بسپارید و در زندگی بکار ببندید. در اینجا نمونه‌ای در خصوص "موضوع دوستی" آمده است:

یک. "باید دوستان خود را انتخاب کنیم". امثال تعلیم می‌دهند که ما نمی‌توانیم با همه و هر که از راه برسد دوست شویم. باید بیاموزیم دوستان خود را انتخاب کنیم. امثال ۱۲: ۲۶ به ما می‌آموزد که در دوستی‌های خود مراقب باشیم، زیرا دوستان ناباب ممکن است ما را به انحراف بکشانند (اول قرنیتان ۱۵: ۳۳). امثال ۱۸: ۲۴ تعلیم می‌دهد که با افراد بسیار زیادی دوست نباشیم، زیرا آنکه همراهان زیاد داشته باشد ممکن است به نابودی کشیده شود. امثالی که در زیر خواهد آمد اصول ارزشمندی برای انتخاب دوست هستند: امثال ۱۲: ۲۶ و ۱-۲۴. ۲۴: ۲۶ تعلیم می‌دهند که دوست خوب فردی است درستکار، زیرا شخص بدکار ما را به انحراف خواهد کشانید و ما را گرفتار اعمال خسونت‌بار و دردسر خواهد کرد. امثال ۱۳: ۲۰ و ۱۴: ۷ تعلیم می‌دهند که دوست خوب شخصی است عاقل، زیرا شخص احمق می‌تواند ما را متحمل ضرر کند. امثال ۱۴: ۷-۴ می‌آموزد که دوست خوب شخصی است صدیق، زیرا آنکه به نیت جلب دوستی هدیه می‌دهد دارای انگیزه‌های مخفی است. امثال ۲۰: ۱۹ می‌آموزد که دوست خوب شخصی است امین، زیرا شخص سخن‌چین نسبت به اعتماد دیگران خیانت می‌ورزد و پرگویی می‌کند. امثال ۲۲: ۲۴-۲۵ تعلیم می‌دهد که دوست خوب شخصی است خویشتندار، زیرا هر که زود عصبانی یا برافروخته شود ممکن است به ما هم بیاموزد که همچون او شویم. امثال ۲۳: ۶-۷ تعلیم می‌دهد که دوست خوب شخصی است سخاوتمند و نه خسیس. امثال ۲۳: ۲۰-۲۱ تعلیم می‌دهد که دوست خوب شخصی است متعادل و نه شخصی که زیاد مشروب بخورد یا شکمبارگی بکند. امثال ۲۴: ۲۱-۲۲ تعلیم می‌دهد که دوست خوب انسانی است مطیع، زیرا شخص سرکش موجب نابودی ناگهانی است. امثال ۲۵: ۲۹ تعلیم می‌دهد که دوست خوب شخصی است وفادار، زیرا شخص بی‌وفا همانند پای لنگ در ایام سختی است. امثال ۲۹: ۳ می‌آموزد که دوست خوب شخصی است پاک، زیرا فاحشه می‌تواند اموال را بر باد دهد.

دو. "لازم است از انجام رفتارهایی که به دوستی آسیب برساند اجتناب کنیم". امثال ۲۷: ۲۸-۲۹ تعلیم می‌دهد که ما نباید زمانی که کاری نیک از دستمان بر می‌آید از انجام آن امتناع ورزیم. امثال ۱۶: ۲۸ و ۱۷: ۹ و ۲۵: ۹ تعلیم می‌دهند که ما هرگز نباید غیبت و سخن‌چینی کرده یا به اعتماد شخص دیگر خیانت کنیم. امثال ۱۸: ۱۱ تعلیم می‌دهد که وقتی خود خواه باشیم با دیگران صمیمی نیستیم. امثال ۱۸: ۱۹ می‌آموزد که منازعه باعث جدایی می‌شود. امثال ۱۷: ۲۴ تعلیم می‌دهد که ما هرگز نباید از شکست و سقوط یک شخص دیگر خوشحال شویم. امثال ۲۴: ۲۹ می‌آموزد که ما هرگز نباید از کسی که نسبت به ما بدی کرده است انتقام بگیریم. امثال ۱۷: ۲۵ تعلیم می‌دهد که ما نباید بیش از حد در زندگی دیگران دخالت کرده و مزاحم آنها شویم تا آنها در نهایت از ما متنفر نشوند. امثال ۲۶: ۱۸-۱۹ می‌آموزد که ما نباید حتی محض شوخی دیگران را فریب دهیم. امثال ۲۷: ۱۰ می‌آموزد که ما نباید دوستان خود را رها کنیم. امثال ۲۹: ۲۵ تعلیم می‌دهد که ما نباید از انتقاد یا عدم‌پذیرش دیگران بترسیم. امثال ۳۰: ۱۰ می‌آموزد که ما هیچگاه نباید به دیگران در مقابل کارفرما، رهبر، والدین یا دوستانش تهمت بزنیم.

سه. "باید مسئولیت‌های یک دوست خوب را در عمل بکار ببندیم". امثال ۱۷: ۹ می‌آموزد زمانی که یک دوست خوب خطایی را می‌پوشاند، محبت ایجاد می‌کند. امثال ۱۷: ۱۷ می‌آموزد دوست خوب در همه حال محبت می‌کند، خصوصاً در زمان گرفتاری. امثال ۲۲: ۱۱ تعلیم می‌دهد که دوست خوب قلبی پاک دارد و سخنانش دلنشین است. امثال ۱۹: ۲۵ می‌آموزد دوست خوب وفادار است، خصوصاً در مواقع سختی. امثال ۲۷: ۵-۶ تعلیم می‌دهد که یک دوست خوب از تأدیب دوستش که خطا میکند، پرهیز نمی‌کند. امثال ۲۷: ۹ تعلیم می‌دهد دوست خوب همیشه آماده است تا مشورت نیکو بدهد. امثال ۲۷: ۱۷ می‌آموزد دوستان خوب یکدیگر را تیز می‌کنند، و بدین‌ترتیب به هم کمک می‌کنند تا نسبت به خدا و مردم به بهترین صورت ممکن خود مبدل گردند. امثال ۲۷: ۱۸ و ۲۵ تعلیم می‌دهد دوست خوب از افراد بالاتر از خود مراقبت به عمل می‌آورد و به افرادی که برای مراقبت به او سپرده شده‌اند توجه دقیق دارد. بطور خلاصه اینکه امثال ۳: ۳-۴ تعلیم می‌دهد که دوست خوب محبت می‌کند و وفادار است، زیرا محبت و وفاداری طریق ایجاد دوستی‌های خوب است.

تکلیف برای هفته آینده

اول. در طول هفته آینده، جامعه ۱-۶ را بخوانید. هفته آینده، به معرفی کتاب جامعه - بخش ۱ خواهیم پرداخت.

دوم. کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی

www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.